

گردیه بزرگ بانوی خردمند و جنگاور ساسانی^۱

زهره شوریده دل^۱، بتول فخرالاسلام^۲

^۱ دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات خراسان رضوی

^۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

چکیده

این جستار به معرفی گردیه بانوی خردمند و جنگاور عهد ساسانیان می‌پردازد؛ وی خواهر بهرام چوبینه و همسر خسرو پرویز است و از جمله زنان موثر در حکومت و اوضاع سیاسی عصر. وی بانویی است که پیوسته در تلاش برای خدمت به شاه و کشور خویش است اما با وجود مخالفت با کارهای برادرش لحظه‌ای او را تنها نمی‌گذارد. وی با تصویری متفاوت از زن در ادب فارسی شناخته می‌شود که با تغییر نقش جنسی همراه است و با جلوه‌های رایج و کلیشه‌ای و رفتارهای قالبی زنان تفاوت دارد. وی همواره ناصح برادر خویش است و با وجود مخالفت با اعمال وی او را یاری می‌کند. در ازدواج با برادر خاقان چین در نبردی وی را شکست می‌دهد، به دستور خسرو پرویز همسر خویش، بسطام را که خیانتش به کشور آشکار است به قتل می‌رساند و سرانجام همسر خسرو می‌شود و شهر ری را از ویرانی نجات می‌دهد. در این داستان حماسی اندیشه نابرابری جنسی را از مفهوم عشق و شیوه‌ی همسرگزینی و خدمت به شاه می‌توان باز شناخت. در این جستار گردیه بانویی است که از منظر جنگاوری و خرمندی در میان هم‌عصران خویش برتر است و جایگاهی بس بالا دارد.

واژه‌های کلیدی: گردیه، بانو، جنگاور، خردمند، ساسانی.

^۱ داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

مقدمه:

در باورهای اساطیری و فرهنگ ایران زمین همواره زن از جایگاه والایی برخوردار بوده است. یکی از این زنان پهلوان که نقش مهمی در امور سیاسی و حکومتی ایفا کرده است گردیده است که شرح دلاوری‌ها و خدمات وی در شاهنامه فردوسی و متون تاریخی، در خلال داستان بهرام چوبینه آمده است.

عصر ساسانی را می‌توان از درخشان‌ترین دوران تاریخ ایران دانست. در هنگام فرمانروایی ساسانیان، زن ایرانی از ارج و ارزش والایی برخوردار بود؛ با توجه به جامعه مردسالار گذشته چنین توجه‌ای به زن نکته‌ای حائز اهمیت است. زنانی که در متون حماسی این عصر آمده‌اند کمتر از مردان نیستند. زن در حماسه‌های ایران، مثل دیگر حماسه‌های جهان، مستقل از وجود مرد تعریف نمی‌شود. به عبارت دیگر، زن در حماسه یا مادر قهرمان داستان است یا همسر او و یا دخترش و موارد اندکی می‌توان یافت که در حماسه، به شخصیت زن جدا از این نقش‌ها توجه شده باشد. در واقع وجود زنانی دلاور مثل گردیه، گردآفرید و بانوگسب نیز در گردونه‌ای معنا می‌یابد که به دست مردان داستان چرخانده می‌شود و حتی داستان‌های مربوط به ایشان نیز رنگ و بویی مردانه دارد و برترین زنان نیز مردانه‌ترین آن‌هاست.

«در ادوار متفاوت زنان مانند مردان دارای قدرت و اهمیت سیاسی نبودند اما همواره نقش سیاسی خود را به شیوه‌های گوناگون بر منصفی ظهور می‌نشانند» (شرف‌پور، ۱۳۸۹: ۱۸۷). گردیه نیز یکی از زنان عصر ساسانی است که در کارهای حکومتی به صورت مستقیم و غیر مستقیم حضور دارد؛ وی خواهر و زن^۲ بهرام چوبین، خواهر گردوی، زن بسطام و سپس خسرو پرویز و مادر فرخزاد خسرو از خسرو پرویز است. این خردمندان، جنگاوری چیره در عهد ساسانیان است و هم‌گام با برادرش در برابر دشمنان از آرمان‌هایش دفاع می‌کند و با وجود اختلاف بین بهرام و شاه وی همواره در خدمت پادشاه است.

وی در برابر برادر خاقان چین که قصد دارد وی را به زور به همسری خویش در بیاورد با دلیری می‌جنگد و وی را شکست می‌دهد و به سپهسالاری سپاه برادرش و سرانجام فرمانروایی قلمرو ری می‌رسد.

گردیه زنی است که ویژگی زنانگی کم دارد و پیکارگر و جنگجویی است که همپای مردان و گاه برتر از آنان می‌جنگد و می‌اندیشد.

پیشینه تحقیق: در مورد جایگاه زنان در امور سیاسی و حکومتی مقاله‌های فراوانی نوشته شده است که به نقش زنان در عصر ساسانی و پیش از آن و انعکاس آن در آثار حماسی به ویژه شاهنامه اشاره شده است.

شهین سراج (۱۳۸۷) در مقاله «چهره و شخصیت زنان جنگاور در حماسه‌های ایرانی» به جایگاه و نقش زنان جنگاور در حماسه‌های ملی اشاره می‌کند. سجاد آیدنلو (۱۳۸۸) در مقاله «پهلوان بانو» به بررسی جایگاه زنان در روایت‌های حماسی پرداخته است. علیزاده، فروغ. (۱۳۹۲). در کتاب «بررسی فراز و فرود موقعیت زن در ایران باستان با تأکید بر دوران ساسانی» جایگاه

^۲ بهرام چوبینه خواهرش را به همسری برگزیده بود. بنابر سنت‌های کهن ایرانی، تلاش برای حفظ پاکی نسب و خون خانواده یکی از صفات بارز جامعه ایرانی بود تا حدی که ازدواج با محارم گناه شمرده نمی‌شد. چنین عملی در نظر ایرانیان قدیم با ارزش و عمل ثوابی بود که از لحاظ دینی اجری بسیار داشت (شهبازی، ۱۳۸۱: ۲۳۷).

زنان را در ایران باستان مورد بررسی قرار داده است و نقش زنان در عصر حکومت ساسانیان را با ذکر نام اشخاص مورد واکاوی قرار داده است. موسوی، سید احمد. (۱۳۵۴). در مقاله‌ای با عنوان «کشور زنان در شاهنامه» به بررسی و طبقه بندی زنان با نفوذ در شاهنامه می‌پردازد و همه زنانی که در شاهنامه نام آن‌ها آمده است به اجمال معرفی کرده است. اسلامی ندوشن، محمد علی. (۱۳۴۸). در کتاب «مردان و زنان شاهنامه» توصیفی جامع و کامل در مورد ویژگی‌های مردان و زنان حاضر در شاهنامه آورده است. وی در این کتاب نقش مردان و زنان را در کنار هم در داستان‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و نسبت آنان با یکدیگر را بیان می‌کند. انصافیور، غلامرضا. (۱۳۵۵). در کتاب «حقوق و مقام زن در شاهنامه فردوسی» به جایگاه زنان در اندیشه فردوسی اشاره می‌کند.

در مورد گردیه بانوی خردمند و جنگاور عهد ساسانی که نقش مهمی در حکومت بهرام چوبینه و خسرو پرویز ایفا می‌کند تاکنون مقاله‌ای نوشته نشده است تا شخصیت وی را مورد بررسی قرار دهد.

گردیه زنی ناشناس اما جنگاور و خردمند است و به عبارتی تاریخ‌ساز است و حضور وی در حکومت بهرام و خسرو پرویز کاملاً مشهود است. اهمیت این زن تا حدی است که وی حکومت را از دشمنی دیرینه (شوی خود بسطام) نجات می‌دهد و با ازدواج با خسرو پرویز مردم ری را نیز امان می‌دهد و جان آنان را نجات می‌دهد. مقاله حاضر با عنایت به این مهم نگاشته شده است تا سیمای این بزرگبانو را در عهد ساسانی به خوبی ترسیم کند.

گردیه از جمله شخصیت‌هایی است که از خلال داستان بهرام چوبینه می‌توان با وی آشنا شد. «در میان ادبیات منظوم گذشته شاهنامه کتابی است که زن نقش اساسی و فاعلانه در آن ایفا می‌کند» (یزدانی، ۱۳۷۸: ۵۰) داستان بهرام چوبینه در شاهنامه فردوسی و متون تاریخی همچون اخبار الطوال آمده است. یکی از شخصیت‌هایی که در این داستان نمونه والای خردمندی و جنگاوری به شمار می‌آید گردیه است. وی به خاطر رای و حکمت و جنگ آوری و نقش حماسی تاریخی خود از زنان جنگ آور و مطرح در حماسه ملی ما به شمار می‌آید. این زن حکیم و جنگ آور، خواهر بهرام چوبین بود که یکی از بزرگترین سرداران عصر ساسانی بوده است. آنها فرزندان بهرام پورگشنسب بودند که از مردم ری و پدر بر پدر مرزبان و فرمانروای آن سامان بوده اند.

تو افکندی این جستن تخت پی!

پدر مرزبان بود ما را به ری

(شاهنامه، ۷/۱۳۸۹: بیت ۱۶۸۵).

بهرام چوبین خود را از تبار آرش کمانگیر و خاندان‌های پارتی می‌دانست و به این موضوع سخت باور داشت.

هنگامی که شاه ترکان قصد حمله به ایران را داشت هرمزد مردی از ری به نام بهرام چوبین با دوازده هزار تن به سوی او فرستاد، بهرام با هفتاد هزار مرد جنگی راهی جنگ می‌شود، در جنگ بهرام شاه ترک را با تیری بکشت (نولدکه، ۱۳۵۸: ۳۸۹) هرمزد به بهانه این که او مقداری از غنایم جنگی ترکان را برای خود برداشته است برای او دوک نخریسی و لباس زنانه‌ای فرستاد که نشان بدهد او بنده‌ای بیش نیست و زن صفت است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۸۶) و در نامه‌ای نوشت بر من مسلم شده- است که تو فقط اندکی از غنایم را برای من فرستادی و گناه من است که تو را مورد بزرگداشت قرار داده‌ام. اکنون غل و

زنجیری برای فرستادم که بر گردن نهی و کمربندی زنانه که بر کمر بندی و دوکدانی که در دست گیری که مکر و ناسپاسی عادت زنان است (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۱۱). بهرام این ماجرا را برای سرداران لشکر بازگو و گوشه‌گیری اختیار کرد، پس از دو هفته به دشت آمد و گوری او را به کاخی هدایت کرد، بهرام بر در قصر رسید و داخل شد و زمانی طولانی گذشت اما او بیرون نیامد، مردانشینه داخل رفت، بهرام را دید نشسته و جاریه‌ای^۳ در غایت حسن و لطف بر کنار او تکیه کرده و با همدیگر مساز^۴ می‌نمودند. پس بهرام و جاریه هر دو بیرون آمدند و او بهرام را وداع کرد و گفت مظفر و منصورباشی (تجارب‌الامم، ۱۳۷۳: ۳۲۹). روز دیگر خراد برزین و بزرگ دبیر از نزد بهرام گریخته و سوی هرمزد آمدند، قصه کنیزک گفتند، هرمزد از موبد موبدان پرسید که او کیست؟ گفت: آن کنیزک از پریانست و بر بهرام عاشق شده است و هرکجا بهرام با سپاه ایستد پس آن کنیزک با یاران خود ایستد و دشمن بهرام را هزیمت دهد (بلعمی، ۱۳۹۰: ۱۹۲).

همین امر و اصولا دشمنی که نسبت به خاندان ساسانی داشت، سبب شد که این سردار، در عصر پادشاهی هرمز و سپس پسرش خسرو پرویز قیام کند.

در جنگی که میان بهرام و خسرو در گرفت بهرام چوبین پس از شکست دادن خسرو پرویز و گریزانیدن او به روم با بزرگان و سران سپاه انجمن کرد تا درباره پادشاهی خویش با آنان شور کند. در این انجمن بیشتر سرداران موافق پادشاهی بهرام بودند اما گردیه او را از نافرمانی نسبت به شاه منع کرد (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۲۰۳) تا مبادا خود را شاه بخواند. خسرو پرویز از رومیان مدد گرفت و با لشکری عظیم به ایران آمد و بهرام را شکست داد. بهرام نیز با لشکریانش به خاقان چین پناه برد.

بهرام یک چند در میان ترکان به سر برد و نزد پادشاه آنان بسیار گرامی ماند تا اینکه خسرو توطئه‌ای بر ضد او چید و مردی را با گوهرهای گرانبها نزد ترکان گسیل داشت و مرد توانست دل خاتون، زن خاقان چین را به دست آورد تا آنجا که خاتون کسی را پنهانی اجیر کرد تا بهرام را بکشد (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۹۰) و چون شب آمد بهرام بمرد و گردیه که خواهر و زن او بود و در مردانگی همچون خود بهرام، او را در تابوت گذاشت و به سرزمین اجدادی اش رفت و آنجا در ستودانی وی را قرار داد و گردیه به خراسان رفت و با بسطام ازدواج کرد و چون بسطام عاصی شد پرویز فرستاده‌ای نزد گردیه فرستاد که بسطام را بکش و بیای که تو را به زنی کنم. وی بسطام را بکشت؛ سپس به مداین رفت و کسری با او ازدواج کرد (طبری، ۱۳۸۰: ۸۰۵).

بررسی شخصیت گردیه در عهد ساسانی:

بهرام خواهری داشت به نام گردیه که یکی از باکمال‌ترین زنان بود و در هنرها سرآمدشان بود و او را خود به زنی گرفته بود (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۸۶) وی یکی از بزرگترین و نامدارترین زنان در دوره ساسانیان است. در جنگاوری هم‌اورد پهلوانان و در سیاستمداری در ردیف برجسته‌ترین دستوران و خردمندان روزگار خود بوده است. وی با پندها و راهنمایی‌های خود در رای-زدها در مجالس و با نظریات صائب و واقع‌بینانه خود در امور سیاسی و حوادث دشوار و مقام سپه‌سالاری و همچنین با ابراز دلبری به هنگام کارزار به صورت یکی از قهرمانان تاریخ عمومی و حماسی ایران در آمده‌است. وی در حمله به شاهنشاه ایران مخالف بهرام بود و همواره او را سرزنش می‌کرد «وی بهرام را برای سخنان زشتی که به خسرو گفته بود نکوهید و وی را به

^۳ کنیز

^۴ راز گفتن با یکدیگر.

فرمانبرداری از خسرو برانگیخت اما بهرام نپذیرفت» (همان). در جنگ بهرام با خسرو پرویز وی برادر را از جنگ بر حذر داشته و به وی پند و اندرز می‌دهد. سرانجام پیش بینی این بانوی خردمند به حقیقت پیوست و بهرام از خسرو پرویز شکست خورد. وی تا آخرین لحظه با وجود مخالفت با برادرش از وی پشتیبانی کرد «وی حتی هنگام فرار بهرام چوبین در سرزمین ترکان نیز به دنبال وی رهسپار گشت» (کریستن سن، ۱۳۸۳: ۱۴۱) و پس از کشته شدن برادرش سوگواری عظیمی بر پا کرد. پس با افراد برادرش از سرزمین ترکان خارج می‌شود و در راه با برادر خاقان چین که وی را خاستگاری کرده بودند جنگید.

این زن زیبا و عالی تبار، در یکی از پیچیده ترین و دشوارترین دوره‌های تاریخی که همانا شورش بهرام چوبین علیه سلطنت ساسانیان باشد، وارد جریان تاریخی - حماسی شاهنامه می‌شود. حال باید دید گردیه به عنوان خواهر سرداری که علم طغیان برضد حکومت ساسانی بلند کرده، چه نقش و کرداری را در پیش می‌گیرد و چگونه در این داستان پرکشش و پیچیده مطرح می‌شود.

مبارزه‌ی اصلی گردیه با برادرش بهرام چوبین است و در این مبارزه آنچه او را از سایر بانوان همانندش متمایز می‌کند داشتن دو ویژگی منحصر به فرد است: حکمت و دانش و سپس جنگ آوری.

گردیه بانوی خردمند: عقل و خرد و اتصاف به آن از مهم‌ترین صفات مطلوب انسان‌هاست. در مورد زنان به عنوان جمعی که گاه در شکل یک طبقه رقیب جلوه کرده‌اند می‌توان گفت که هیچ صفت خوبی به اندازه همین صفت یعنی عقل‌مندی از آنان دریغ نشده است (پاک‌نیا، ۱۳۸۸: ۷۵). با مشخصاتی که فردوسی از گردیه به ما می‌دهد، چهره‌ی زنی را می‌توان رسم نمود که صاحب اندیشه‌ای والا است. وی، با سواد است.

دویت و قلم خواست ناباک زن	به آرام بنشست با رایزن
یکی نامه بنشست نزدیک شاه	ز بدخواه و از مردم نیک‌خواه

(شاهنامه، ۱۳۸۹/۸: بیت ۳۰۰۹-۳۰۱۰).

وی اوضاع سیاسی زمانه و وضعیت و پیشینه‌ی خانوادگی خود و برادرش را به خوبی می‌شناسد. با توجه به این اندیشه‌ی روشن است که در آغاز می‌کوشد سدی با سلاح پند و اندرز در برابر تاج و تخت خواهی بهرام چوبین ببندد. پس نخستین سلاح او سلاح حکمت سیاسیست. آن اندیشه است که اجازه می‌دهد زنی که به قول فردوسی در پس پرده نشسته، به دنیای جنگ و سیاست وارد شود. در این راستا، کلام فردوسی بس زیرکانه و پرمعناست. اولین باری که از گردیه صحبت می‌کند، هنگامیست که بهرام با سردارانش نشسته و همگی در حال چیدن توطئه‌ای علیه هرمز شاه هستند و برای براندازی ساسانیان به او قول یاری می‌دهند. گردیه آن صحبت‌ها را می‌شنود و بر آشفته می‌شود. از پس پرده بیرون می‌زند و خود را به میان می‌اندازد.

پس پرده‌ی نامور پهلوان	یکی خواهرش بود روشن روان
خردمند را گردیه نام بود	دلارام و انجام بهرام بود
چو از پرده گفت برادر شنید	بر آشفت، و زکین دلش بر دمید
بدان انجمن شد سری پر سخن	زوان پر ز گفتارهای کهن

(شاهنامه، ۷/۱۳۸۹: بیت ۱۵۶۰-۱۵۶۳).

وی نمونه‌ی زن خردمند و باوفایی است که با وجود مخالفت با برادر خویش همواره وی را همراهی می‌کند و لحظه‌ای وی را ترک نمی‌کند.

در آغاز توطئه بهرام علیه هرمز شاه، بعد از قیام بهرام علیه خسرو پرویز، در جنگ کلامی که میان آن دو روی می‌دهد خسرو با نرمی و جواب می‌دهد و بهرام با تندى پاسخ می‌دهد و درصدد کشتن خسرو بر می‌آید: «اما خواهر بهرام گردی که همسر او نیز بود او را سرزنش کرد که سرسختی نشان می‌دهد و گفت: کاری نکن که سرزمینت را تضعیف کنی! مرد خردمندی داستانی درباره خری گفته است که می‌خواست شاخ گاو داشته باشد اما هر دو گوشش را هم از دست داد. خودت را در معرض سرزنش عالم و آدم قرار نده زیرا کسی از خاندان تو تاجی بر سر نداشته است» (کریستن سن، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

که ای پر هنر مهتر نامجوی

چنین گفت داننده خواهر بدوی

به پیش آوری تندى و بدخوى

تو را چند گویم سخن نشنوى

که باشد سخن گفتن راست تلخ

نگر تا چه گوید سخنگوى بلخ

همه راستى‌ها گشاد از نهفت

هر آنکس که آهوى تو با تو گفت

ز گیتی چو برداشتی بهر خویش

مکن رای ویرانی شهر خویش

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۳۵، بیت ۴۳۹-۴۴۴).

و برادر خویش را به صبر در برابر خشم شاه دعوت می‌کند.

به گفتار آیین گشسب پلید

چو آشفته شد هرمز و بر دمید

نبد بنده را روزگار نبرد

ترا اندرین صبر بایست کرد

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۳۷، بیت ۴۶۰-۴۵۹).

بعد از نبردی که میان خسرو و بهرام در می‌گیرد بهرام نزد خاقان چین می‌رود و سرانجام در اثر زخم دشمنه در خاک چین جان می‌سپارد. در این مرحله، بهرام آخرین اعترافاتش را نزد خواهر بیان می‌کند و می‌گوید که در اثر فریب اهریمن در طلب تاج و تخت بوده است. آنگاه، رهبری لشکر و بازمانده‌هایش را که در خاک چین مانده اند به گردیده می‌سپارد.

در تمام این داستان‌ها نوعی حکمت و عرفان سیاسی و باور به نوعی عاقبت اندیشی و روشن بینی نمایان است. همین خردمندی و عقل گردیه است که مقام و مرتبه‌ای خاص به این چهره‌ی زنانه در میان ماجرائی خشن و مردانه می‌بخشد.

که دانا نخواند تو را پارسا

مکن آز را بر خرد پادشا

به بسیار سال از برادر که‌ام!

اگر من ز منم پند مردان دهم

مبادا که پند من آیدت یاد!

مده کارکرد نیاکان به باد

(شاهنامه، ۷/۱۳۸۹: ۶۰۴، بیت ۱۶۶۷-۱۶۶۹).

فردوسی نیز گفتار وی را مقدس می‌داند و پایه‌ی دانش او را فراتر از جاماسب حکیم می‌شمارد:

سخن گوی و روشن دل و رای زن

همی گفت هرکس که این پاک زن

به دانش ز جاماسب نامی ترست

تو گوئی که گفتارش از دفترست

(شاهنامه، ۷/۱۳۸۹: ۶۰۷، بیت ۱۶۸۹-۱۶۹۰).

در پند و اندرزهای گردیه، باور به نظام شاهنشاهی ساسانی و لزوم حفظ آن دیده می‌شود. گردیه به بهرام چوبینه که ساسانیان را شبان زاده و فاقد اصالت می‌خواند می‌گوید که همه باید در خدمت شاه باشند:

به فرمان و رایش سر افکنده‌اند

همه یک به یک شاه را بنده‌اند

چنان کز ره نامداران سزید

شهنشاه گیتی تو را برگزید

به هر جای بر دشمنان کام داد

نیاگان را همچنین نام داد

چنان دان که بد با تن خود کنی!

تو پاداش آن نیکوی بد کنی

(شاهنامه، ۷/۱۳۸۹: ۶۰۴، بیت ۱۶۶۳-۱۶۶۶).

سپس تأکید می‌کند که تو هرچند نژادت درست باشد، پادشاهی امریست موروثی و در تبار تو کسی پادشاه نبوده که تو نیز پادشاه بشوی. از ساسانیان حتی اگر تنها یک دختر هم باقی بماند، ایرانیان او را به پادشاهی بر خواهند داشت. تو دانی که از تخمه‌ی اردشیر بجایند شاهان برنا و پیر.

به جایند شاهان برنا و پیر

تو دانی که از تخمه اردشیر

به ایران که خواند ترا شهریار؟

ابا گنج و با لشکر بی شمار

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۳۷، بیت ۴۶۵-۴۶۶).

وی، با علم و دانشی که نسبت به پیشینیان و تاریخ پهلوانان ایران دارد نمونه‌هایی را در پیش چشم بهرام می‌آورد تا به وی خاطرنشان کند ادعای شاهی برای وی امری نادرست و ناپسند است و او برای پند و اندرز داستان سام پهلوان را می‌گوید که زمانی که نوذر بیدادگری پیشه می‌کند؛ همه مهتران از سام پهلوان می‌خواهند که بر تخت شاهی بنشیند و او:

بر آن مهتران گفت: هرگز مباد
که جان سپهد کند تاج یادا!
که خاک منوچهر گاه من است
سر تخت نودر کلاه من است

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۳۷، بیت ۴۷۴ - ۴۷۵)

دریغا که پندهای گردیه بر برادر کارگر نمی‌شود و تنها در هنگام جان سپردن است که به این پندپذیری خویش نزد خواهر اعتراف می‌کند و می‌گوید که او نیز به مانند جمشید و کی کاوس فریب دیوان را خورده بود.

بعد از مرگ برادر، وی به همسری (بسطام) گسته‌م، دایی خسرو پرویز در می‌آید تا شویی از ایران زمین داشته باشد.

یلان سینه با گردیه گفت: زن
ز خاقان کرانه گزیدی سزید
چه گویی ز گسته‌م یل، خال شاه؟
بدو گفت: شویی کز ایران بود
یلان سینه او را به گسته‌م داد
به گیتی تو را دیده‌ام رای زن
که رای تو آزادگان را گزید
توانگر سپهدسری با سپاه!
ازو تخمه ما نه ویران بود
دلاور گوی بود فرخ نژاد

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۲۳، بیت ۲۹۳۵ - ۲۹۳۹).

وی حتی در انتخاب همسر نیز با عقل و درایت عمل می‌کند. خسرو پرویز با دیده احترام وی را مورد عنایت خویش قرار می‌دهد و معتقد است:

جو بهرام چوبینه گم کرد راه
کنون چاره‌ای هست نزدیک من
سوی گردیه نامه باید نبشت
همیشه بدی گردیه نیک خواه
مگوی این سخن بر سر انجمن!
جو جویی پر از می به باغ بهشت!

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۲۴، بیت ۲۹۵۳ - ۲۹۵۵)

سپس وی به همسری خسرو در می‌آید (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۶۴). سپس با درایت خویش شهر ابا و اجدادی‌اش که در حال ویرانی است نجات می‌دهد و خسرو ری را به وی می‌بخشد و به امارت آن جا می‌رسد.

ابا گردیه گفت کز آرزوی
زن چاره‌گر برد پیشش نماز
به من بخش ری را، خرد یاد کن!
چه خواهی بگو ای زن نیک‌خوی!
چنین گفت کای شاه گردن فراز
دل غمگنان از غم آزاد کن!

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۳۸، بیت ۳۱۲۴ - ۳۱۲۶).

گردیه بانوی جنگاور: جنبه‌ی دیگر از شخصیت گردیه، جنگ آوری اوست که در مراحل مختلف زندگی وی دیده می‌شود. درگرد آوری سپاه بهرام و باز گردانیدن آنان از چین به ایران، جنگ با برادر خاقان چین که به خواستگاری او آمده و از میان برداشتن همسرش گسته‌م که بر ضد خسرو پرویز، پادشاه ایران قیام کرده بود.

«شخصیت گردیه اثبات مشروعیت پیوندهای سنتی است. او پیوسته تلاش می‌کند تا برادر (شوه‌ر) خود، بهرام را به انجام وظیفه وادارد. با وجود این موفق نمی‌شود. در تبعید نیز به دنبال او می‌رود و سرانجام بهرام در آغوش او جان می‌سپارد. هنگامی که بهرام درمی‌گذرد گردیه قصد بازگشت به سرزمینش را دارد. او شجاعانه در برابر همه‌ی آزار و اذیت‌ها از آزادی خود دفاع می‌کند» (کریستن سن، ۱۳۸۳: ۶۴-۶۵). بهرام چوبینه در حالیکه سر در آغوش خواهرش گردیه دارد، پیش از مرگ فرماندهی لشکر را به گردیه می‌سپارد و وصیت می‌کند که در خاک خاقان نماند همه یکسره نزد خسرو پرویز بروید و سر به فرمان او بگذارید.

یلان سینه را گفت یکسر سپاه	سپر دم ترا، بخت بیدار خواه!
نگه کن بدین خواهر نیک‌زن	ز گیتی بس او مر ترا رای‌زن!
مباشید یک تن ز دیگر جدا!	جدایی مبادا میان شما
بر این بوم دشمن ممانید دیر	که من رفتم و گشتم از گاه سیر!

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۰۴، بیت ۲۶۷۹-۲۶۸۲).

مأموریت دشواری بر عهده‌ی گردیه گذاشته می‌شود؛ او از جانبی می‌ترسد که به جبران شورش برادر، او و همراهان همه زندانی و تنبیه شوند. از جانب دیگر می‌داند که خاقان هم بدین راحتی به او و لشکریانش اجازه بازگشت نخواهد داد. از این زمان به بعد، گردیه به مانند یک فرماندهی نظامی کار آزموده و یک دیپلمات مجرب عمل می‌کند. ابتدا دربار ایران را از آنچه رفته با خبر می‌سازد و سپس ساز و برگ سپاه را فراهم می‌آورد و سپاهیان را برای رفتن به سوی ایران آماده می‌سازد.

بدو گفت هر کس که: بانو توی	به ایران و چین پشت و بازو توی
نجنبان‌دت کوه آهن ز جای	یلان را به مردی توی رهنمای
ز مرد خردمند بیدارتر	ز دستور داننده هشیارتر
همه که‌ترانیم و فرمان تو راست	برین آرزو رای و پیمان تراست ...
بیامد سپه سر به سر بنگرید	هزار و صد و شست یل برگزید
کز آن هر سواری به هنگام کار	نبرگاشتنندی سر از ده سوار
درم داد و آمد سوی خانه باز	چنین گفت با لشکر رزمساز:
که هر کس که دید او دوال رکیب	نپیچد دل اندر فراز و نشیب
نترسد ز انبوه مردم کشان	گر از ابر باشد برو سر فشان

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۱۳، بیت ۲۷۹۹-۲۸۰۸).

در این بین، خاقان برای برادرش از گردیه خواستگاری می‌کند که از مدت‌ها پیش دلباخته‌ی اوست. گردی دوستانه پاسخ داد اما همسری وی را نپذیرفت زیرا از فریب‌کاری ترکان به وحشت افتاد (کریستن سن، ۱۳۸۳: ۱۵۷) و آنگاه، نقشه فرار از کشور خاقان و بردن سپاه را می‌کشند و شبانه فرار می‌کنند.

چو شب تیره شد گردیه برنشست	چو گردی سرافراز و گریزی به دست!
برافگند پر مایه برگستوان	ابا جوشن و تیغ و ترگ گوان
همی راند چون باد لشکر به راه	به رخشنده روز و شبان سیاه!

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۱۴، بیت ۲۸۲۱-۲۸۲۳).

خاقان بدین خفت تن در نمی‌دهد و لشکری به فرماندهی سرداری به نام تبرگ به تعقیب ایرانیان می‌فرستد. از دیدن سپاه خاقان، گردیه هیچ ترسی به دل راه نمی‌دهد و آماده‌ی جنگ می‌شود.

به روز چهارم بریشان رسید	زن شیر دل چون سپه را بدید
ازیشان به دل برنکرد ایچ باد	ز لشکر سوی ساریان شد چو باد ...
سلیح برادر بپوشید زن	نشست از بر باره‌ی گامزن!

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۱۵، بیت ۲۸۳۶-۲۸۳۷-۲۸۳۹).

دو لشکر در برابر هم صف می‌کشند. گردیه با سلیح گران در برابر فرستاده‌ی خاقان ظاهر می‌شود. تبرگ به او می‌گوید که از جانب خاقان آمده است تا وی را خواستگاری کرده و دعوت به بازگشت کند و اگر پند نپذیرد و مقاومت کند او را به بند کشد. گردیه سخن او را می‌شنود و برآشفته می‌شود و می‌گوید: «من با کسی به جز آنکه در مردانگی و زورمندی همانند بهرام باشد همسری نخواهم کرد پس با من بجنگ» (کریستن سن، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

بدو گردیه گفت کز رزمگاه	به یک سو شویم از میان سپاه
سخن هر چه گفتی تو پاسخ دهم	تو را اندر این رای فرخ نهم
ز پیش سپاه اندر آمد تبرگ	بیامد بر نامدار سترگ
چو تنها بدیدش زن چاره‌جوی	از آن مغفر تیره بگشاد روی
بدو گفت: بهرام را دیده‌ای	سواری و رزمش پسندیده‌ای ...
بگفت این و زان پس برانگیخت اسپ	پس او همی تاخت ایزد گشسپ
یکی نیزه زد بر کمر بند اوی	که بگذاشت خفتان و پیوند اوی

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۱۷، بیت ۲۸۵۷-۲۸۶۶).

بعد از منهدم کردن لشگر خاقان، گردیه به سلامت لشگریان را به ایران برمی‌گرداند. گزارش این لشکرکشی را گردوی سردار خسرو پرویز به دربار می‌رساند.

پس از بازگرداندن سپاه، گردیه به همسری گسته‌م در می‌آید. گسته‌م از خسرو پرویز دل خوشی ندارد و در خراسان سر به شورش برداشته است. از جانب خسرو پرویز بیم آن می‌رفت که بهرام جدیدی در برابرسلطنت قد علم کند. پس، خسرو پرویز که از طرفداری او از سلطنت خاندان ساسانی با خبر بود، نامه ای به آن زن حکیم و جنگاور نوشت و از خدمات وی یاد کرد و سپس افزود که اکنون چاره به دست توست و اگر گسته‌م را از میان برداری من تو را سروری دهم و با تو ازدواج خواهیم کرد و «تمامی دوستانت را تحت حمایت خود قرار می‌دهم» (کریستن سن، ۱۳۸۳: ۱۶۳). گردیه نیز گسته‌م را از میان برمی‌دارد و پس از فرونشاندن شورش که در خراسان بر پا شده بود، گزارش کار را نزد خسرو پرویز می‌فرستد. شاه فرمان می‌دهد که از گردیه و سپاهش استقبال گرمی کنند و او را به زنی می‌گیرد.

گردیه سپس گزارش نظامی کارکردهای خویش را در جنگ با فرستاده ی خاقان، مانند نمایشی به خسرو عرضه می‌دارد و دهد و شگفتی همه را برمی‌انگیزد.

بن نیزه را بر زمین برنهاد	ز بالا به زین اندر آمد چو باد
به باغ اندر آورد گاهی گرفت	چپ و راست، بیگانه راهی گرفت
همی هر زمان باره بر گاشتی	وز ابر سیه نعره بر داشتی
بدو گفت هنگام جنگ تبرگ	بدین گونه بودم چو غرنده گرگ ...
همی تاخت گرد اندرش گردیه	بر آورد گاهی برش گردیه

(شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۱۷، بیت ۳۰۴۷-۳۰۵۰ و ۳۰۵۴).

آخرین ستیز گردیه با بهرام، هنگامیست که در مجلس خسرو پرویز با مردان و یلان می‌می‌نوشد و از آن پس، در آن مجلس جامی را که نام بهرام روی آن حک شده می‌شکنند و به کلی دل از او می‌پردازد (شاهنامه، ۸/۱۳۸۹: ۲۳۴، بیت ۳۰۶۹-۳۰۷۲). خسرو از گردیه می‌خواهد که اگر آرزوئی دارد بگوید. او فرمانروایی ری را که از آن نیاکانش بوده است طلب می‌کند و شاه نیز می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری:

گردیه خردمند بانوی جنگاوری است که هم‌پای مردان در عرصه حماسه حضور می‌یابد؛ زنی که در برابر توانایی و تسلط مردان مقاومت می‌کند و همواره هادی و یاری‌گر مردان مهم حکومتی است. وی پهلوان خردمندی است که در عین جدابیت در جنگاوری نیز هم‌اوردی ندارد.

حضور وی در متون حماسی و تاریخی در ذیل داستان بهرام چوبینه و پادشاهی خسرو پرویز آمده است که وی خدمات شایانی به هر دو کرده است. وی همسر و خواهر بهرام است و همواره وی را راهنمایی می‌کند تا به راه راستین و خدمت به کشورش همت گمارد اما با وجود مخالفت و سرپیچی، وی همچنان با وفاداری در کنار او برای رسیدن به اهداف برادرش تلاش می‌کند. در نبرد با فرستاده خاقان چین او را مغلوب می‌کند و به همسری یک ایرانی یعنی گسته‌م درمی‌آید. برای خدمت به شاه ایران و نجات همراهان خویش همسرش را به قتل می‌رساند و به دربار خسرو پرویز می‌آید.

در دربار خسرو پرویز با وی ازدواج می‌کند و با خردمندی خویش شهر آبا و اجدادیش را از حمله پادشاه نجات می‌دهد و خود به حکمرانی ری می‌رسد.

گردیه، پهلوان بانوی خردمندی است که در همه امور زندگی خویش عقل و خرد را بر هر چیزی مقدم می‌دارد و در گرو همین خردمندی به برترین مقام سیاسی و حکومتی در عصر خویش نائل می‌گردد.

وی هفت نشان زن جنگاور یعنی وابستگی به تیره‌ی پهلوانی، زیبایی، جنگاوری، نبرد با خواستگار، جنگ پوشیده، وطن پرستی و رسیدن به فرمانروائی را داراست و در تاریخ حماسی ایران علاوه بر جنگاوری نتصف به خردمندی نیز می‌باشد.

منابع

۱. اسلامی ندوشن. محمد علی. (۱۳۴۸). «مردان و زنان شاهنامه». یغما. شماره ۲۴۸. صص: ۵۷-۶۵. انصافپور. غلامرضا. (۱۳۵۵). حقوق و مقام زن در شاهنامه فردوسی. اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
۲. آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۸). از اسطوره تا حماسه. تهران: انتشارات سخن.
۳. بلعمی. محمدبن محمد. (۱۳۹۰). تاریخ بلعمی (ترجمه تاریخ طبری). به کوشش محمد جواد مشکور. تهران: دنیای کتاب. چاپ اول.

۴. پاک‌نیا، محبوبه. (۱۳۸۸). «رودابه و سودابه. سیمای سیاسی- اخلاقی زن در شاهنامه». پژوهشکده زنان. دانشگاه الزهرا.
۵. تجارب الامم فی اخبار ملوک العرب و العجم، (۱۳۷۳). تصحیح انزابی نژاد. رضا و یحیی کلانتری، مشهد.
۶. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. (۱۳۷۱). *اخبار الطوال*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نی. چاپ چهارم.
۷. سراج، شهین. (۱۳۸۷). «چهره و شخصیت زنان جنگاور در حماسه های ایرانی (قرن چهارم تا ششم هجری)». آفتابی در میان سایه‌ای. (جشن‌نامه دکتر بهمن سرکاراتی). تهران: قطره. صص: ۲۵۱-۳۳۱.
۸. شرف پور. عنایت الله. (۱۳۸۹). «زنان فرمانروا در ایران». الدراسات الادبیه. ش ۷۳-۷۵. صص: ۱۸۷-۲۱۸.
۹. شریفی، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی. تهران: نشر نو. انتشارات معین.
۱۰. شهبازی، علیرضا شاپور. (۱۳۸۱). «خوتود»، در سروش پیر مغان (یادنامه جمشید سروشیان). به کوشش کتایون مزداپور. تهران: ثریا.
۱۱. شهبازی، علیرضا شاپور. (۱۳۸۹). *تاریخ ساسانیان: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ اول.
۱۲. طبری، محمدبن جریر. (۱۳۸۰). *تاریخنامه طبری*. مجلد دوم. تصحیح محمد روشن. تهران: سروش. چاپ سوم.
۱۳. علیزاده، فروغ. (۱۳۹۲). بررسی فراز و فرود موقعیت زن در ایران باستان با تأکید بر دوران ساسانی. تهران: شورآفرین.
۱۴. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *شاهنامه*. به کوشش جلال خالقی مطلق و همکاران (ج ۷ و ۸). تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. چاپ سوم.
۱۵. کریستن سن، آرتورامانوئل. (۱۳۸۳). *داستان بهرام چوبین*. ترجمه منیژه احدزادگان آهنی. تهران: طهوری. چاپ اول.
۱۶. موسوی، سید احمد. (۱۳۵۴). «کشور زنان در شاهنامه». هنر و مردم. شماره ۱۵۳-۱۵۴. صص: ۱۶۷-۱۶۹.
۱۷. نفیسی، سعید. (۱۳۸۳). *تاریخ تمدن ایران ساسانی*. تهران: اساطیر. چاپ اول.
۱۸. نولدکه، تئودور. (۱۳۵۸). *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*. ترجمه عباس زریاب. تهران: انجمن آثار ملی.
۱۹. یزدانی، زینب. (۱۳۷۸). *زن در شعر فارسی*. تهران: نشر فردوس.